

تغییرات پایه‌ی سوم
در برنامه‌ی درسی ملی
و تحول بنیادین
از نگاه مدیرکل دفتر دبستانی
آموزش و پرورش



آموزش نیروی انسانی

بهنام شاددل

علیرضا رحیمی فارغ‌التحصیل کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی است که از شش سال گذشته مدیرکل دفتر دبستانی وزارت آموزش و پرورش است. رحیمی به نقش مهم مجلات رشد از جمله مجله‌ی رشد آموزش ابتدایی در تحلیل و اطلاع‌رسانی از تغییرات موجود و اجرای طرح‌های تعلیم و تربیت در اطراف تحول بنیادین اظهار خوشحالی کرده و آن را به نوعی پشتوانه‌ی آموزگاران می‌داند. با او در ارتباط با هم‌سوسازی برنامه‌های درسی پایه‌ی سوم و فعالیت‌هایی که دفتر دبستانی انجام داده است گفت‌و‌گویی کرده‌ایم که نظرتان را به مطالعه‌ی آن جلب می‌کنیم.



• هم‌زمان با تغییرات کتاب‌های پایه‌ی سوم، دفتر دبستانی وزارتخانه در جهت هم‌سوسازی و کمک به معلمان برای اینکه خود را با تغییرات وفق دهد، چه اقداماتی انجام داده است؟

• اگر بخواهیم به این سؤال پاسخ دهیم، باید برگردیم به شرح وظایف هر حوزه در آموزش و پرورش. در فرهنگ تعلیم و تربیت هر بخش وظیفه‌ای بر عهده دارد. برای مثال شورای عالی مسئول تصویب قوانین مورد نیاز آموزش و پرورش است، سازمان پژوهش به‌طور خاص مسئول تدوین محتوای آموزشی و تولید بسته‌های آموزشی است، حوزه‌ی پشتیبانی مسئول تأمین منابع مورد نیاز اعم از نیروی انسانی و منابع مالی برای اجرای برنامه‌هاست و حوزه‌ی آموزشی مدیریت آموزشی را بر عهده دارد. وظیفه‌ی اصلی این حوزه در آموزش و پرورش، اجرای صحیح برنامه‌ی درسی و آماده‌سازی مدارس است. در دو سال گذشته که محتوای پایه‌های اول، دوم و ششم با برنامه‌ی درسی ملی هم‌سو و گاهی منطبق با برنامه‌ی درسی ملی شده، وظیفه‌ی ما اجرای درست برنامه‌ی

درسی ملی بود. برای اجرای صحیح برنامه‌ی درسی، یک وظیفه‌ی اصلی داشتیم و آن سازمان‌دهی نیروها متناسب با وضع جدید بود. آموزش نیروها قبل از شروع سال تحصیلی انجام می‌شود و بخش مهم‌تر، نظارت علمی و هدایت آن‌هاست.

تلاش کردیم در دو سال گذشته در پایه‌ی اول به‌دلیل حساسیت خاص خود، معلمان علاقه‌مندتر، با انگیزه‌تر و کوشا تر فعالیت کنند، زیرا اول مهم‌تر از دوم است و دوم مهم‌تر از سوم تا ششم. بحث بعدی، بحث آموزش و کار مشترکی میان حوزه‌ی آموزشی، مرکز آموزش نیروی انسانی و سازمان پژوهش بود. سازمان پژوهش مسئول تأمین مدرسان کشور و مرکز آموزش نیروی انسانی مسئول آموزش مدرسان و معلمان است. در این فرایند نقش آموزش نقش ممتازی بود. سعی کردیم در بخش آموزش معلمان مراقبت‌های ویژه‌ای داشته باشیم. قبلاً اگر کتابی عوض می‌شد و دوره‌ای هم می‌گذاشتند هر معلمی که احساس نیاز می‌کرد، در دوره‌ها شرکت می‌کرد؛ اما در دوره‌ی جدید هر معلمی که وارد پایه‌ای می‌شد باید این دوره‌ها را می‌گذراند که این امر به زمینه‌سازی‌های سال‌های



قبل بازمی‌گردد. برای مثال در دوره‌ی ابتدایی، اجرای ارزش‌یابی توصیفی - کیفی را داشتیم که مصوب شورای عالی بود. یکی از الزامات که برای اجرای این برنامه داشتیم این بود که حتماً معلمانی که تحت پوشش این طرح قرار می‌گیرند، باید آموزش‌های ضمن خدمت را بگذرانند. هیچ معلمی نمی‌توانست بدون این آموزش‌ها در کلاس حضور یابد. این‌ها باعث شد یک فرهنگ‌سازی به‌عنوان مقدمه‌ی کار در ابتدایی داشته باشیم. لذا از سال تحصیلی گذشته قرار شد استان‌ها نظارت داشته باشند که هیچ معلمی بدون آموزش وارد دوره‌ها نشود. بخش بعد نظارت و هدایت در حین انجام کار بود و ما گروه‌های آموزش را فعال کردیم، هر چند ساعت‌های آموزشی محدود بود. از سوی دیگر با توجه به تغییرات در آموزش، نقش گروه‌های آموزشی برجسته شده بود. برای مثال اطلاع دارید که قبلاً افرادی به‌عنوان معلم راهنما داشتیم که وظیفه‌ی نظارت بالینی بر کار آموزش و تربیت معلم را داشتند. با حذف این افراد، نقش گروه‌های آموزشی برجسته‌تر شد، زیرا وظیفه‌ی این ناظران بالینی هم به گروه‌ها محول شد. این کار در پایه‌ی اول، دوم و ششم انجام شد.

در کنار این‌ها توزیع بسته‌های آموزشی را داشتیم و نظارت بر اینکه بسته‌ها حتماً در اختیار معلمان قرار گیرد. با توجه به این تجربیات، اقدامات و برنامه‌های دیگری برای پایه‌ی سوم شکل گرفت. پایه‌ی سوم شرایط متفاوت‌تری نسبت به دوم و ششم دارد. در سال گذشته، تعداد قابل توجهی نیرو از حوزه‌های مختلف وارد ابتدایی شدند، از جمله نهضتی‌هایی که استخدام شدند، قراردادی‌ها و بقیه‌ی نیروهایی که در آموزش و پرورش بودند و به نیروهای پیمانی تبدیل شدند. هم‌چنین نیروهای مازاد راهنمایی و دبیرستان نیز به ابتدایی وارد شدند. این نیروها بنا بر سیاست‌گذاری‌هایی که به حق هم بود، تقریباً در پایه‌ی سوم متمرکز شدند. یعنی الان بافت معلمان پایه‌ی سوم متفاوت‌تر است. معلمان پایه‌ی ششم همان معلمان پایه‌ی پنجم بودند و معلمان پایه‌های اول و دوم معمولاً معلمان همین پایه‌ها بودند. یکی از اقدامات ما، پیش‌بینی شیوه‌ی آموزش‌های ضمن خدمت برای آن‌ها بود. در سال گذشته این آموزش‌ها در بیشتر استان‌ها قبل از سال تحصیلی بود. امسال قرار شد ۶۰ درصد قبل از سال تحصیلی و ۴۰ درصد در جریان سال تحصیلی و تا پایان آذرماه باشد، زیرا مرحله‌ی اول وقتی است که معلمان در دوره‌ها شرکت می‌کنند و مرحله‌ی بعد مربوط به هنگام انجام کار، یعنی وقتی است که وارد کلاس می‌شوند و می‌خواهند روشی را ارائه دهند.

اتفاق دیگری که برای سال آینده افتاده است، افزایش ساعت‌های آموزشی است. یعنی دوره‌ی آموزش مدرسان را از ۱۰۸ ساعت به ۱۲۸ ساعت و ساعت آموزشی معلمان را از ۱۰۲ ساعت

به ۱۳۲ ساعت ارتقا داده‌ایم. حدود ۳۰ ساعت به آموزش معلمان اضافه شد، زیرا این معلمان باید تعدادی پیش‌نیاز می‌گذرانند تا هم سطح معلمانی شوند که در حوزه‌ی ابتدایی حضور دارند. اواخر خرداد مدرسان استان‌ها به تهران می‌آیند، دوره می‌بینند و برمی‌گردند و معلمان را آموزش می‌دهند.

نکته‌ی بعدی تقویت گروه‌های آموزشی است. با توجه به اینکه پایه‌ی ششم اضافه شد و معلمان راهنما نیز حذف شدند، برای پر کردن این خلأ دستورالعمل گروه‌های آموزشی را متناسب با مقتضیات روز تنظیم کردیم؛ از جمله، اعضای گروه‌های آموزشی از مدرسانی که برای دوره‌ها به تهران می‌آیند، انتخاب شدند.

اقدام دیگر تقویت گروه‌های آموزشی معلمان هم‌پایه در سطح مدارس است تا با هم تعامل بیشتری داشته باشند. و دیگر اینکه پیش‌بینی شده است که مانند سال‌های قبل، برای پایه‌ی سوم هم بسته‌ی آموزشی تولید شود. فرایندی را تعریف کردیم که این بسته‌ها حتماً مورد مطالعه قرار بگیرند. برای مثال براساس یک جدول زمان‌بندی، دو هفته‌ی اول مهر، معلمان همان کتاب‌های درسی را مجدداً مورد مطالعه قرار دهند و هم‌فکری کنند (باید عرض کنم که جشنواره‌ی تدریس با رویکرد درس‌پژوهی و IT هم در مدارس اجرا شده است، یعنی اگر بتوانیم، درس‌پژوهی را در دوره‌ی ابتدایی گسترش دهیم تا معلمان به‌صورت گروهی روی مباحث درسی بحث کنند، روش تدریس مناسب را برگزینند و مجدداً اجرا کنند، عیب و نقص آن را در تیم مطرح کنند و راه‌حل‌های جدید بدهند که کمک خوبی به معلمان است). در کنار این، ما جدول زمان‌بندی را برای آن‌ها در نظر گرفتیم. برای مثال، هفته‌ی سوم تا چهارم مهر، معلمان سی‌دی‌های تولیدشده به دست مؤلفان در سازمان پژوهش را با هم ببینند و بحث کنند. این‌ها همه در قالب نشست‌های گروهی انجام می‌شود.

• بنابراین نوبت به کادر مدارس رسید؟

بله، در مدارس ابتدایی کادر مدرسه وظیفه‌ی نظارت بالینی را هم برعهده دارند، زیرا اعتقاد ما این است که در دوره‌ی ابتدایی مدیر و معاون نیز، معلم همان دوره هستند. در دوره‌ی ابتدایی به دلیل تک‌معلمی بودن و اینکه معلمان معمولاً در همه‌ی پایه‌ها تدریس می‌کنند این امکان وجود دارد. بنابراین کادر مدرسه هم با تغییراتی که در حوزه‌ی ابتدایی اتفاق افتاده، با آموزش‌های ضمن خدمت آشنا می‌شوند و کار نظارت بالینی خود را به این طریق انجام می‌دهند. کارگاه‌های آموزشی مناطق هم به قوت خود باقی هستند و با تغییراتی که ایجاد شده است با بار علمی بیشتر فعالیت می‌کنند. هم‌چنین در دو سال گذشته به همراه مؤلفان کتاب‌ها به استان‌ها می‌رفتیم و در جمع معلمان توضیحات لازم و پرسش و پاسخ صورت می‌گرفت. هم‌چنین معلمان پایه‌های اول، دوم و ششم در



• شما به مشکلات اشاره کردید و راه‌حلهایی که در نظر گرفتید. برای تقسیم دوره‌ی ابتدایی به دو دوره‌ی سه‌ساله چه پیش‌بینی‌هایی دارید؟

• اتفاقاتی در دوره‌ی ابتدایی در حال وقوع است که بسیاری از آن‌ها به‌صورت قانون درآمده‌اند، مثل دو دوره شدن ابتدایی که به معنای تفکیک اول از دوم است. اگر این برداشت را داشته باشیم مغایرت جدی با مجتمع‌های آموزشی پیدا می‌کند و این سؤال پیش می‌آید که: «مجتمع‌های آموزشی با چه فلسفه‌ای تشکیل شده‌اند؟» از طرفی تدوین‌کنندگان برنامه‌ی درسی هم اعتقادی به این موضوع ندارند. از طرفی مسائل تربیتی هم ایجاب می‌کند که تا حد ممکن این اتفاق نیفتد.

پس در عمل چند وضعیت به‌وجود می‌آید. یکی اینکه در برخی مدارس امکان تقسیم شدن به دو دوره وجود دارد و هیچ محدودیتی هم نداریم، هم از جهت نیروی انسانی، هم فضا و هم دانش‌آموز. سال گذشته حدود ۱۳۰۰ مدرسه به دو دوره تقسیم شدند. اما تعداد مدرسی که امکان تفکیک دارند، حدود ۱۹/۲ درصد کل مدارس اند. برخی مدارس هم فضایی برای تفکیک ندارند و قرار بر این است که برای تفکیک دوره‌ها به مرور فضا ایجاد شود. اما حدود بیش از ۷۰ درصد مدارس ما هرگز شرایط تفکیک را نخواهند داشت، زیرا اول اینکه وقتی ۲۹ هزار مدرسه از حدود ۶۰ هزار مدرسه زیر ۶۰ نفر دانش‌آموز دارند و معمولاً مختلط هم هستند که در صورت تفکیک، می‌شود ۳۵ نفر دوره‌ی اول و ۳۵ نفر دوره‌ی دوم.

اگر بخواهیم به این‌ها نیروی انسانی اختصاص دهیم، حداقل به چهار نفر نیاز داریم که در حالت اول، سه نفر به‌راحتی می‌توانند مدرسه را اداره کنند. نکته‌ی بعد اینکه در صورت تفکیک، مسائل تربیتی که نگرانش بودیم، تشدید می‌شود، زیرا دوره‌ی دوم هم دخترند و هم پسر و چاره‌ای نداریم جز اینکه یا در یک فضا باشند و تصمیم بگیریم دوره‌ها جدا و جنسیت‌ها هم جدا باشند که این هم شدنی نیست و شرایط و امکانات کشور این اجازه را نمی‌دهد. به‌همین دلیل، این دو دوره به‌صورت یک برنامه، فعلاً فقط در مدرسی که امکانش هست در حال اجراست.

• در دوره‌های قبل مطمئناً به ارزیابی‌هایی رسیده‌اید که هم‌سوسازی را نقد کند یا شما را به نتایج مثبتی برساند. این تجربیات در پایه‌ی سوم چه تأثیری خواهند گذاشت؟ آیا ارزیابی یا مقایسه‌ای داشته‌اید؟

• بررسی‌هایی که داشتیم از لحاظ شیوه‌های تدریس و رویکردهای جدید که در کتاب‌های درسی اتفاق افتاده است، نشان می‌دهد که کارها نسبت به گذشته بهتر پیش می‌روند. هنوز مطلوب

قالب کارگاه‌های آموزشی، بازآموزی می‌شوند. یعنی در تفاهم‌نامه بین حوزه‌ی ابتدایی و استان‌ها، به‌طور میانگین برای هر معلم ۲۰ ساعت کارگاه آموزشی در نظر گرفتیم که این کارگاه‌ها در پایه‌های دیگر هم با هدف رفع اشکال، ارائه‌ی شیوه‌های جدید و استفاده از تجربه‌های معلمان تشکیل می‌شوند. این‌ها بخشی از اقدامات برای پایه‌ی سوم بود.

• درباره‌ی آماده‌سازی افرادی مانند مدیر و معاون مدرسه یا چند پایه که در ارتباط با این کار هستند. توضیحاتی بفرمایید.

• در بخش آماده‌سازی، عنصر بسیار مهمی که داریم بحث کلاس‌های چند پایه است که قبلاً پنج پایه داشتند و حالا پایه‌ی ششم هم به آن اضافه شده است و معلم باید در ۲۴ ساعت هفته محتوای پنج یا شش پایه را تدریس کند که بسیار سخت و نفس‌گیر است. در راستای بحث عدالت آموزشی، برای این معلمان که بیشتر در مناطق محروم هستند، خدمات ویژه‌ای در نظر گرفتیم. اول اینکه در کارگاه‌های آموزشی اولویت را به معلمان مدارس چندپایه دادیم و با تشکیل کمیته‌ی علمی در سطح استان‌ها، ملزم شدند که برای این معلمان آموزش‌های لازم را در نظر بگیرند.

نکته‌ی دیگر اینکه مانع موجود بر سر راه آموزش ضمن خدمت هر شخص برای مدارس چندپایه نادیده گرفته شود. مثلاً در سال گذشته هم آموزش دوره‌ی ششم را داشتیم و هم پایه‌ی دوم ابتدایی را. تلاش کردیم که کلاس‌ها با هم تلاقی نداشته باشند و معلم بتواند در هر دو دوره شرکت کند. اقدام دیگر ماده واحده‌ای با عنوان «الگوی اختصاص زمان به کلاس‌های چندپایه» بود که به شورای عالی ارائه دادیم و پیش‌بینی کردیم کلاس‌های چندپایه از سه‌پایه بیشتر نباشند، هرچند استثنا هم وجود دارد. به‌ازای هر پایه هم دو ساعت فعالیت اضافه بر ساعات موظف در نظر گرفتیم که اگر مدرسه‌ای شش پایه داشت، حداقل شش ساعت نسبت به سال قبل، فعالیت آموزشی و تربیتی بیشتر داشته باشد.

پیشنهاد دیگر ما بحث اختصاص ناظر علمی برای کلاس‌های چندپایه است که امیدواریم این طرح هرچه زودتر تصویب شود.

• تعداد ساعات بیشتر به نفع معلم است، اما برای دانش‌آموزان خسته‌کننده می‌شود. این طور نیست؟

• در الگویی که ارائه می‌دهیم قرار نیست اگر معلم ۲۸ ساعت در مدرسه حضور دارد، دانش‌آموز هم پایه‌پای معلم در مدرسه حضور داشته باشد. دانش‌آموزان به‌صورت پلکانی به میزان همان ۲۴ ساعت در مدرسه حاضر می‌شوند و زمان اضافه را معلم برای دانش‌آموزان مختلف تنظیم می‌کند.



تا پایان خردادماه فعال باشند. الآن نمی‌توانیم این زمان را تعیین کنیم، شاید بخشی از آن به تیرماه بکشد یا مجبور شویم از شهریور ماه شروع کنیم.

• در این مورد که گفته خانواده‌ها یک طرف قضیه هستند که حتماً انتظار درک متقابل را دارند. آیا برای آن‌ها هم در کنار آموزگاران برنامه‌ای دارید؟

• در حوزه‌ی ابتدایی شاید تعامل زیادی با خانواده‌ها وجود نداشته باشد، اما ارتباط‌ها هم کم نیست. برای مثال مدرسه‌ای پیدا نمی‌کنید که ماهانه با اولیا جلسه نداشته باشد.

در برنامه‌های چند سال گذشته، اولین برنامه این بوده است که اول اولیا توجیه و همراه شوند. الآن در برخی مدارس طرح اداره‌ی مدرسه به دست اولیا مطرح است. یعنی یک روز مدرسه به اولیا واگذار می‌شود. یکی مدیر می‌شود، یکی معاون و یکی هم معلم می‌شود و به کلاس می‌رود. شاید یک روز کم باشد، اما خیلی از نگرش‌های خانواده‌ها را تغییر می‌دهد و مسائل را برای آن‌ها روشن می‌سازد. لذا ما در تمام برنامه‌ها توجیه و آموزش اولیا و ارتباط تنگاتنگ با آن‌ها را داریم.

• به‌عنوان دفتری که با نیروهای انسانی در ارتباط است و کار و تجهیز آن‌ها را انجام می‌دهد، به حوزه‌ی فناوری یا IT هم توجه دارید؟

• در تفاهم‌نامه‌هایی که داریم و اکنون سومین سال است که این تفاهم‌نامه‌ها با استان‌ها منعقد می‌شوند، یکی از بندهایی که داریم همین امر است. یعنی استان‌ها موظف‌اند هر سال میزان فناوری‌های جدید را در کلاس‌ها افزایش دهند. شرط مقدماتی آن، آموزش نیروی انسانی است.

• اگر توصیه یا صحبت دیگری دارید، بفرمایید.

• توصیه که نه، اما تقاضای من از همکارانم در سطح کشور این است که تحول بنیادین محقق نمی‌شود مگر اینکه هر کسی به سهم خود احساس تکلیف کند. یعنی اگر بگوییم سند تحول تصویب شده است، حالا ببینیم وزارتخانه چه اقدامی انجام می‌دهد یا منطقه منتظر تصمیمات اداره‌ی کل باشد، مدرسه منتظر منطقه یا در مدرسه، معلم در انتظار اقدامات مدیر باشد، این تحول محقق نخواهد شد.

اما موضوعی که باعث افتخار است اینکه امروز تحول بنیادین و تغییر در شیوه‌های آموزشی و تربیتی از سطح مدرسه تا وزارتخانه یک موضوع جدی و مسئله‌ی روز برای حوزه‌ی ابتدایی است.

نیست اما به‌هرحال قابل توجه است. نکته‌ی مهم در اینجا آن است که شیوه‌های جدید ظرف زمانی خودش را می‌طلبد، یعنی ظرف زمانی گذشته و شیوه‌های جدید چندان با هم منطبق نیستند و ما نیازمند این هستیم که زمان آموزش را افزایش دهیم. خوش‌بختانه در برنامه‌ی درسی ملی این توسعه‌ی فضا به‌گونه‌ای در نظر گرفته شده است به این صورت که ۸۰۰ جلسه‌ی آموزشی در طول سال تحصیلی تبدیل به ۱۰۲۵ جلسه شد. یعنی ساعت جلسات نسبت به گذشته با توجه به قانون، به‌گونه‌ای توسعه پیدا کرد و باید به‌سمتی برویم که با افزایش طول زمان آموزش با مظلوفی که داریم تناسب ایجاد کنیم. الآن نگرانی معلمان عدم تطبیق محتوا با زمان آموزشی است. طبق نتایج تحقیقات هرچه رویکرد ما دانش‌محوری باشد و به‌سمت حفظیات برویم در حدود ۱۰ درصد وقت می‌برد. اما هرچه به سمت کارهای عملی (۲۰ درصد) و مفهومی (۲۵ درصد) پیش برویم به زمان بیشتری نیاز داریم. توسعه‌ی فناوری، استفاده از کلاس‌های چندرسانه‌ای، استفاده از روش فعال و روش‌های نوین ارزش‌یابی الزام ایجاد می‌کند که زمان آموزش را توسعه دهیم. این قانون تصویب شده است و فقط باید به اجرای آن همت گماریم.

پس اگر مدارس اول خرداد تعطیل شوند با برنامه‌ی جدید هم‌خوانی ندارد و باید زمان حضور در مدرسه را تا حد مقدور در طول روز و زمان آموزش را در سال تحصیلی توسعه دهیم. یکی از آسیب‌های جدی ما طولانی بودن تعطیلات تابستان است، زیرا دانش‌آموز حدود چهار ماه با فرایند آموزش و پرورش خداحافظی می‌کند.

چند درصد از محیط زندگی این دانش‌آموزان به‌گونه‌ای است که در این مدت هنوز درگیر مسائل آموزشی باشند؟ در این چهار ماه تقریباً بچه‌ها برمی‌گردند به نزدیک نقطه‌ی شروع. باید تعطیلات تابستان را کاهش و زمان آموزش در طول زمان را افزایش دهیم تا بتوانیم شیوه‌های جدید را در کلاس پیاده کنیم. اگر معلم بخواهد از شیوه‌های نوین برای آموزش یک مفهوم در کلاس استفاده کند، نسبت به شیوه‌های گذشته به زمان بیشتری نیاز دارد. به قول یکی از بزرگان «هیچ مفهومی نیست که قابل یادگیری نباشد، منتها به هر کسی باید به اندازه‌ی ظرفیت و توانش زمان بدهیم». در کلاس درس هم توانایی‌های مختلف وجود دارد و به توصیه‌ی دین هم باید اضعف را در نظر بگیریم.

• هم زمان محدود است و هم در برخی مدارس محدودیت امکانات وجود دارد. درباره‌ی تعطیلات و کاهش آن طرح جدی دارید؟

• طرح جدی، قانون ماست. اکنون طبق قانون جدید، اگر بخواهیم ظرف زمانی قانونی را اجرا کنیم، مدارس حداقل باید